

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری
سر دبیر: ا. شمس
عنوان تلگرافی
(نامه آذربایجان)
جای اداره: خیابان تربیت کوچه
پناهی روبروی دبیرستان پرورش
شماره ۳۸ - سال ۱۳۳۱
شماره ۹۹۹۹۹۹۹۹
وجه آبرو: ۸۰ ریال
شماره ۵۰ ریال
(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

قیمت تک شماره در همه جا ۵۰ دینار بعد از سه روز در اداره بکریال

روزنامه آذربایجان از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام او بجامعه آذربایجان منتشر میشود و رویه آن تشریح حال گذشته - تشخیص علل مفاسد اجتماعی - پیدا کردن راه چاره عملی برای رفع آنها میباشد.

مکتوب از تهران

پیام اتحاد

یکچند صدای دلچسبی در کوی و برزن مترنم بود، موجهای بلند و کوتاه آن نغمه روح پرور در گوشهای حساس تاثیر بسزائی بخشیده و انوار امیدی در دلهای ما دور افتادگان از آغوش آن مادر مهربان که آذربایجان نام دارد پرتاب و بآینده درخشانی امیدوار می ساخت.

کلمه آذربایجان که با خط درشتی نقش بسته و هر آن چون نیزه های برآقی در مردمک دیدگان خائنین فرو میرفت باز با آنحال پیامهای گرانبهایی برای ما جوانان آذربایجانی میفرستاد:

« جوانان هشیار باشید. روح سلحشوری و فداکاری نیازید. دست اتحاد بهم یازید. چون شما زادگان یک مام و پروردگان آغوش یک مادر و از یستان یک دایه شیر خورده اید همت بلند دارید و از هیچ کس و هیچ چیز نهراسید. بکوشید تا دست مغرضین را از سرمن کوتاه سازید.»

افسوس که دیری نپایید و از آن صدای مهیج اثری نماند. نمیدانم کدامین بد سگال خیانت ورزید و ما را از شنیدن آن نغمه دلنواز محروم ساخت. نمی دانم کدامین اهریمن پست فطرت مادر مهربان ما را از ترنمات نوازش آمیز باز داشت.

نفرین باد بر خیانتکارانی که دیو - سار از شنیدن ندا های حق بیزارند. شکسته باد بازوانی که بقصد خاموشی بسوی حلقوم ملأ دایان حق دراز شود. حال توای مام مهربان نومیدمباش اینک فرزندان رشیدت صف بصف دست همت بکمر زده و منتظر فرمانند تا یک

حمله خائنینت را نبود سازند. پیام باد بفرزندان رشید آذر - بایجان « شما ای برادران آذربایجانی بدانید که یک مشت مردم سست عنصر زن صفت بر آنند که زبان گویای آب مام مهربان را قطع و مارا بر روز سیاه بنشانند و اراده های شوم خود را مثل پیشین بر ما تحمیل نمایند. هان تاجه تصمیمی بگیرید ما را هم آگاه سازید» روشن تر بگویم در کشوری که امروز دموکراسی نامش گذارده و بیش از دیروز بر دیکتاتوری افزوده اند نمی دانم با کدامین برهان باید یک روزنامه ملی را از انتشار بازدارند. زهی خیانت زهی بی وجدانی.

این تبه کاران هنوز هم میخواهند از حدود و موازین خود تجاوز کرده توسن ظلم و استبداد را بر آن سامان به تازند.

با این وصف نمیدانم چرا باید ورق پاره هائی که جز اقدام همه حاکی از تملق و چرب زبانی است در کشوری که جایگاه مردان غیور و جوانان حقیقت کیش است عرض اندام کنند. هان برادران عزیزم قدمی پیش، دستی به جلو و نیروی خود را بیازو تمرکز داده آن صفحات پوچ و بی مفرا پاره نمائید و نگذارید فکروهوش هموطنان با الفاظ خیانت آمیز پرورش یابد. عمل معاوضه مثل اجرا بکنید. بکنید. باز هم تکرار کنید تا زمانی که آن طوطی شکرشکن یعنی آن نامه ملی حتی در خود تهران آزادانه بگفتار آید و زنك حسرت از دل دلدادگان بزاید. - ن. ح

بیماران: جراحی = زنانه = آمیزشی

دردهای شما درمان پذیر و بهبود یاب است.
دکتر مجیر مولوی - روبروی شهرداری

فاشیسم چه میگوید؟ چرا دشمن آزادی و تمدن نامیده میشود؟

-۷-

فاشیستها فکری جز استعمار ندارند فاشیسم با اینکه نژاد آریائی را تنها نماینده تمدن و ترقی میداند ولی در عمل باز کلیه افراد آن نژاد را یکسان ندانسته و عقیده مند است که تنها ملت آلمان نماینده نژاد آریا بوده و باید بر کلیه ملل آقائی داشته باشد چنانکه جمله (آلمان بالای همه) که شعار فاشیست ها است مؤید این فکر میباشد. علاوه بر آن هیتلر راجع باین موضوع چنین میگوید: « من برابری ملت های دیگر را باملت آلمان از حیث حقوق هیچوقت قبول نکرده ام. وظیفه ما تابع نمودن سایر ملل به ملت خودمان می باشد، وظیفه مات آلمان نشان دادن یک صنف آقاها بدنای تازه می باشد.» بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مقصود فاشیست ها از ایجاد نظریه های غلط و موهوم خود راجع به نژاد و ملت و همچنین دلسوزی آنان از مال کوچک و دعوت آنان باستقلال و آزادی همانا اغفال مردم ساده لوح و عوام بوده و فکری جز استعمار و بنده نمودن آن مال ندارند. همچنین هیتلر در جای دیگر کتاب خود این موضوع را مخفی ننموده و صراحتاً اظهار داشته است: « ادعای اراضی تازه اخلاقاً موجه و مدلل است. سرحدات هرگز جنبه دائمی و همیشگی ندارند و کار بشراند. هر ماتی مسئول دفاع سرحدات خویش است. مأموریت آلمان حمایت از سایر ملل و دفاع از حقوق آنان نیست بلکه وظیفه اساسی دولت آلمان تهیه اراضی از برای نژاد آلمانی است تا بعاقبت و خیمی دچار نشود. آلمان یا باید دولت جهانداری بشود یا باید اصلاً وجود نداشته باشد.» از طرف دیگر عقاید فاشیستها راجع به نژاد آریا علاوه بر آنکه هیچ -

گونه مبنای علمی نداشته و چنانکه گفته شد تنها وسیله ای برای اغفال و عوام فریبی است، رویه و اعمال فاشیستها به خوبی نشان میدهد که حتی خود آنان نیز عمداً به آنها رفتار ننموده و برخلاف آن عقاید عمل میکنند. چه مثلاً هیتلر در کتاب خود راجع بمات ژاپون چنین مینویسد « مثلاً در چند سال دیگر اهالی چین و ژاپون ادعا خواهند کرد که صاحب تمدن هستند و حال آنکه جوهر و اساس تمدنشان مآخوذ از یونان و آلمان و نژاد آریاست. تمدن آنها فقط از لحاظ ظاهر شاید صورت آسپائی داشته باشد. ژاپون نه فقط چنانکه بعضی از اشخاص می پندارند فنون اروپائی فرا گرفته بلکه علوم و فنون مذکور را کاملاً با تمدن خویش آمیخته است زندگانی ژاپونینها منحصر بر - تمدن اصلی آنها استوار نیست. اگرچه ظاهراً عکس این مطلب مفهوم میشود بلکه مبتنی بر کارهای علمی و فنی اروپا و امریکا و اقوام آریائی است مات مذکور برای اینکه بتواند طریق ترقی به بیماید باید مال آریائی نژاد را راهنما و دستگیر خود قرار دهد.»

دز صورتیکه محتاج بتوضیح نیست که فاشیست ها اخیراً ملت یونان را که بقول آنان از مال متمدن قدیم و آریائی نژاد میباشد چگونه با اعمال وحشیانه خود پایمال نموده بنده و اسیر خود گردانیدند! و همچنین با اینکه مات ژاپون را از نژاد پست و غیر قابل تمدن می دانستند جزو متحدین خود قرارداده بر تمدن و ملت ژاپونی افتخار میکنند!! بطور خلاصه فاشیست ها هرگز بانظر برادری و برابری سایر ملل و بخصوص مال کوچک نمی نگرند و باید ملل کوچک بدانند که فاشیست ها با تبلیغات دروغ و بی اساس خود میخواهند مال کوچک و ضعیف را اغفال نموده و بدین ترتیب آنان را بدام حیا خود بیاورند. فاشیست ها فکری جز اعمال سیاست استعماری خود در دنیا ندارند. افراد مال کوچک نیز هرگز نباید گول عوام فریبی های آنان را بخورند.

ملانصرالدین دن نقل اولنور:

جا غصبی

برگون برده لی دن سوروشد-
 یازار که «جا غصبی» جامه غصبی»
 عبارت لریش مندا ایله منون . دهلی
 بر قدر فکره گیدنندت سورا بیله
 جواب ووردی .
 جا غصبی همان عالی عمارنه
 دیورلر که عبارت اوله دورت بش
 -حیط دن : حیط بیرون ، حیط
 اندرون ، حیط خلوت ، حیط -
 ضیافت . تالارقلار ایچنده ، حوض
 گل کارلر ، طریقه ، آشپز خانه ،
 آمبارلار ، زیرزمین لر ، بوزخانه -
 سی ، پچای خانه سی ، تریاک خانه
 سی ، و بوعالی عمارت ده اگله شه
 بر نفر آدم ویش آلتی باش عائله -
 سی ویش آلتی نفر نوکری (سوز-
 یوخ ، خدیشی ده اولاجاق) -
 دیگر طرفدن ده بی چیز لسرون
 یگری اوتوز نفری تاشاشا بر-
 تالاق رطوبتلی ایود ، هله بلکه
 چوخلاری باغیش و قار آلتنده
 زندگانی ایله لر ، یا اینده
 مدرسه لره یرتاپیلما و مقته معلم
 لر یوز نفر کیچل کوجلی شاگردی
 قاتا بر قاراندلی طویله و اوراده
 درس دییه .
 بونا دییه لر جا غصبی ، یعنی
 قیاقکی عالی عمارت ده نماز باطل
 یازان : احمد اسپهانی

زندانیان خاطره لریندن بر خلاصه

-۶-

« متحد اولساق بونلارین انتقامی آلا ریخ »
 جوانی وریر . مجرده تازه گلنلرین احوالی
 صوروشان بو آدم پهلونین و اونون قان ایچن
 آداملارینین بوتون غیرت لرینه مقابل وقتنی استبداد
 رژیم ایله مبارزه یه تخصیص ایله مشدی .
 ارانی ده ایله بر قدرت واریدی که اوغرو ،
 جانی ، سیاسی خلاصه تانیان ، تانیان اونا احترام
 ایلردی . پولیسین اونولا دانشماق جرأتی یوخ ایدی
 منطقله جواب ویرمگی باجاریان استبداد نماینده -
 لری اونی شاللاخلاماخ ، دینه دانشما دیمک ویا
 خود رطوبتلی مجرد اطاقلاریندا چورومتک یولو -
 ایله انتقام آیلردی .

در ، هله بلکه چورک یمک ده
 صاحبنه حرام یازیلا جاق .

لغت

عدلیه عدل یعنی تایی که
 ایکیمی بر بوک اولور یعنی بورایه
 رشوت گرک تایی تایی گله اگر بوک
 بوک گلسه همی قاپودان کیچمز و
 همی گوره لر
 دوشیه یعنی ایکیمی سیه که
 بر چارک اولسون اعضانون جیمی نون
 آغزی و گینلگی اما بودا قدیم
 اوچوز لوق زمانده ایدی ایندی
 (آرشیو) دیورلر یعنی بر آرسین
 گرک اولسون
 مستطقی یعنی اوستدن ایله
 سول جیمیه که طفیلدا سین و
 طفیلدیسین ایشدرم
 استیناف بوکله تازه له مک
 معناسنه دور یعنی ایندی «کیمی»
 هر نه ویرمین هیچ اگر ایتیرسن
 که ایشووا باخیلسون تازه دن و
 اولکیندن چوخ
 جانب شش یعنی طرفی -
 نون بولی قورتولماقا یاخین بر
 اوچومچی شخص حکماً تاپمالی
 کفیل (فیل کیمی) یعنی مدعی
 ومدعی علیه سویوب جوجه یه
 دونده رندن صورنا بر آیری فیل
 کیمی بر آدم تاپوب بو ایشه
 قار بشد بر مالی

محترم آذربایجان روز نامه

سین مدیرینه

گچن نمره دن بقیه

معلم ومدتسه شاگردلری طرفیندن
 بو آ نه قدر هیچ بریاردیم گورولمه مشدر
 سهدلر برنیچه نفر عصر فرخنده تربیه
 سیاه تربیه انش مدرسه مدیری ومعلم
 لر دن بو تشکیلاتین علیهنه اولاراق ضد
 تبلیغاتدا آپارانلار تاپیلر حتی بو
 شرکتدن سهم آلانلار بر شهرانی
 اداره سی طرفندن تعقیب اولنور یا
 اولناجا قلادی کی بالان بهتان واقفرا -
 لاردا توخویورلار .
 بیزو محترم و گله جک جوات
 نسلیزین تربیه و برن معلم ارین احترام
 آدلارینی انشاء ایتیریک آنجاق اولارین
 تربیه اولنوب و گله جکده بر حقیقی
 خلق وجامعه معلمی اولماقلارینی آرزو
 ایدیریک .
 بوراسی داما تعجب لی در که
 دوشنبه گونی اسفند آیین ۱۸ نده گون
 اورتادان صورنا برنفر باسبان مخصوص
 بر دفتر ایله (احتمال مالیات بر درآمد
 باسبانلاریندن اولموش اولسون) باغیشه
 ایتیر یز یعنی طرفی نون هر
 ایکیمین اولکی محکمه لر سویانندان
 صورنا تمیز اولماق ایچون اوتور
 اعلان شاقمه بو بر اعلان دور
 که بونی مدعی ایار که من آخره
 یتیشدیم .
 مجلس تمام گشت وبه آخر رسید بول
 ماهمچنان در اول کار تو مانده ایم
 امضا : سیرتیش

تاری ملایه رحمت ایلسون
 سوز لرینین هر کلمه سی بر قزیل
 اینن برابر در کیشی دینن سوز -
 لری هر زماندا تازه در .
 اما نه فایده ! سن او قزل
 لارا قیمت ویرنی تاپ !!
 آذر بایجان

دیمشدر ، پهلونین ، مختارین امرلرین یوزده یوز
 فاضله یرینه یتیرن بو آدم هیتلرین ایراندوتول -
 لموش بر نوکری ایدی .
 ارانی نی یوخ ایامک ایجاب ایلیردی .
 بونی نه جور باجاریان ایدیلر ؟ ارانی مجرد گریدور
 و اطاقلارینین هاموسینا آباریلدی . اونوت استبداد
 ضدینه اولان مبارزه سی سونمک بیلنه ییت بر
 آلاو ایدی .
 گریدور دوردین ۹ نومرولو اطاقنده ارانی
 یمکلردن صورنا قوصماغا باشلامشدی . شاعر فرضی ده
 او بش گون یمکلردن صورنا قوصوردی . فرضی
 سمین تاثیریه ضعیفله مش بدنین حسابنی مرضخانه ده
 « آمپول پهلوی » ایله نوده دی . بیلیم نهدت
 زندان اداره سی ارانی یه سم ویرمکدن واز کیچدی .
 بقیه سی وار

پهلوی زندانی ناحق یره دوتولموش آداملار -
 لا دولو ایدی . بو بی گناهلارین چوخ آجوسفیل
 بر حالدا ایدیلر . ارانی منزلندن گتیریان ۱۶ ریالی
 هر هفته بو بیچاره لره تقسیم ایدر . غذاسنی آج -
 لارا داغیدردی . ایوندن گتیریلن میولری یه میوب
 یولدار لارا صاتیر بو بولی ده کومکارینه علاوه
 ایلیردی .
 رئیس تشکیلات مختاری یاخشی بیلردی که
 ارانی ایرانین حتی دنیانین قیمتی آداملاریندات
 بریدر . او آزادلق مبارزه سین ایراندا کی
 نماینده سیدر . قیمتی و آزادلق سوهت بر آدم
 پهلونین ، مختارین حتی درجه سی او وقتلر یاور
 اولان رئیس زندان نیرومندین ان بوک دشمنیدر
 (رئیس زندان نیرومند ، فاشیست عقیده سته صاحب
 اولدیقی چوخ دفعه لر زندانیلره تهدید بولی له

سوز ایشیت

سوسِ بالام هرزه دانشما اوتان آی هرزه کیشی
تور کجه نامه چیقاروب تازه لمه سکنه ایشی

قریلار قیاقچاسی اوردک بر بسه قاز یریشی
سوز ایشیت گل آگوزوم بوشلا بوتازه گیدیشی

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بالام

دولتین ایشلرینه هیچ ده قاریشما آ بالام

بوغداسی کیسه ده آذر بایجان یانسا بوتون

وضع مالیسی دوتوب اود گوگه ده گیتسه توتون

سنه می دردی قالوبدر آ کیشی لات و لوتون

ساعمالارقوی سن اودیلیمز اینگیل یاغلی سوتون

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بالام

انگیوی یورما بوش ایشلر ده چالیشما آ بالام

اهل آذر بایجان زحمته وار عادی چوق

یعنی حمال کچی ایشلر آرادا اجرتی یوق

نار پرورده لی یسار قاز و تویوق

هر یری بر یکه آدیدی قانیر ایستی سویوق

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بالام

آنلاما ، قانما ، دوشونمه و قالیشما آ بالام

هر قدر تر کجه دیسن اوردن قاناز و سوزووی

آی کیشی فارسجا دانش برمنه باخ آج گوزووی

ایکی یوزلی اول آنام گوسر او نیرسی یوزووی

بر آوج اوتدن اوتر بیله آز اولدور ئوزووی

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بالام

سوزووی گوللایه بنزتمه ، آتیشما آ بالام

اوزووی بوش یره ملت دیوب اولدورمه گلن

کیمدی ملت؟ اوزووی ملته گولدورمه گلن

یازان : غلامی

خلق ادبیاتی بیغماخ لازم در

بنام شاعر لریمز ، ادیب لریمز ،
یازریلاریمز طرفندن تالیف ایدیلیمش
انرار بزم مایه افتخاریمز در .

نظامی ، شاقانی ، نسیمی ، صائب ،
فضولی ، واقف ، صابر ، لعلی راجی ،
ریوزلرجه بیله آدلی - سانلی شعرا -
مز ملتیزین وارلیقینی سوز تولمز
انرارینده ثبت ایتشلر . اونلارین

یازدیق انرار آذر بایجان خلقتین
ادبیاتی در . لیکن بزم ادبیاتیمز
یگانه شاعر لریمزین و ادیب لریمزین
انراری دگل .

آذر بایجانلی ارین غیر بر بر قیمت
ادبیاتی ده واردرکه ؛ اونین معلوم
و معین مؤلفی بوغدر . بیله مؤلفی
اولایان ادبیات . خالق ادبیاتیمز .

خلق ادبیاتی بیغماخ مرکت ،
چرخنده گری و جور بچوردور .

خلق ادبیاتی خلقتیمز و ملتیمز
طرفندن یوز وین ایللر طرفنده
اشاد ایدیلیر و آغزدا آغزا
گرونی دولایر و یاغلیب گلیر .

بر ادبیات بیغماخ قیمتلی اولدینی

آنوروی آیری یانا چاپ بو مانا شورمه گلن
بیر آوج بوغدانلی سن بزلر بیوخ گورمه گلن
لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بالام
آتیلوب اورتایا هر صکاره قاریشما آ بالام
ده سکنه بیغماخی !

بونلار بر برینی گورمه بیدیلر ، قرارلاری گلمزدی .
علی کیشی نبی نین دلی لیگنین قاباقینی آلامق
ایچون حجیرین آناسی خانعلی یه ایلیچی گوندردی .
خانعلی ایلیچی لره بیوخ بیس باخدی . ایلیچی لر
ال چکمه بپ خانعلی یه دیدیلر :

- گرک حجیرین توپونا راضی اوسالان .
خانعلی جواب ویردی :

- من ارز الیم ایلمن قزیمی بدبخت ایلیه -
بیلیم . علی نین اوغلی هیچ برد ، اوز توپو نامشدی
هارا دا وارلی ، بیک وار ، اونندان ناراضی لیق
ایدیر . نبی هامپالارین اوشاتلارینی دوگور ، دعوا
چخاردیر :

من قزیمی ایله آداما ویره بیلیم . اول-آخر
اونون یری ، زندان در ، اولاجا قدر . هارادان گلمسینز
اورا دا گیدین . بیرده ایله سوزلری آغزینزا آلمابن .

دیلرکه : اوغلونا او بود ویرمه سن ، دجاللیقینین
قاباقین آلماسان ، سنی کنددن قوواجاییق . علی کیشی
باخدی که ، نبی نین دجاللیقینی تر کیده بیلیمه جک .
او ، فکرلشدی که ، نبی نی ایولند یرسین ، بلکه
عقل لته .

موللی کندینده خانعلی آدیندا ، بر اورتاباب
کندلی واریدی . خانعلی نین حجیر آدلی بر قزی
واریدی حکه ، اوشاتلق دانت نبی ایلمن بر یرده
بیوموشدی .

حجیر ، نه حجیر ، اییک کیمی قارا ساچلاری
توپوقینا دوشوموشدی ، اوزی گوت کیمی ایشیق
سالیردی ، یانقلاری قپ - قرمزی ، حاضر جواب
و چوخ زیرک بر قز ایدی . اونوت کیمی گوزل
دنیا به گلمه میشدی .

نبی حجیری ، حجیرده نبی نی سو ویردی .

قاجاق نبی

-۲-

او نبی ایله یسولا گینمیردی ، اونی چوخ
دوگوب اینجیدیردی .

نبی ، دوشنده ، کربلای جعفر دن آدامیردی
« جانناواریدی ، اوغورلاندی » آدی ایلمن ، اونون
یاخشی قویونلارینی تلف ایدیردی . نبی اود کیمی
اوشاق ایدی . کربلای جعفر بیر دیبهنده او ایکی
دیریدی . بعضا آجیق ایلیب ، باشقا یره قاجیردی
آناسی علی ، اونی تهدید ایلیب ایشینه قایتاریردی
نبی اوینایاندا اوز طرفینه یوخسول ، چپلاق اوشاق-
لاری گوتوروردی . او ، وارلی اوشاقلاری ایلمن
ووروشیردی . کنده اولان قولی چوماق و بیگلر
نبی دن شکایت ایدردیلر . اونلار علی کیشی یه دیر-

۳۲جی صفحه دن بقیه

خاق ادبیاتنی یمنه ایلیم لازم در
مثلر و آتالار سوزی ده خلق
ادبیاتنین بر قسمیدر :

نه یاردان دویور ؛ نه الدن قویور
کباب قانلی - ایگیت جانلی
آهل گوزیله قیز آل جاہل گو-
زیله آت -
صبر ایله حلوا پیر ای قوراسندن
بسله سن اطلس اولار توت پیراقتدان
مینلر بیله مثلر یمن واردر که
یری گلنده هر بیرین قزبل قدر
قیمتی واردر -

خلق ادبیاتنین قیمتلی بر حصه
سی ده تاہماجالاردر - مثلا بیله تاہما-
جالار خلقده سوز اوستالارینین نه-
قدر مهارتلی اولدیقنی ثبوت ایدیر.
آلتی تخته - اوستی تخته
اوتوروب بر آغ اوطاقدہ
قویون دکل اوتلیور
ویوق دگل یومورتلیور
توسباغا
ساجیوون اوجی گوموشدر
سال بونوما ایلشدر
یمیشلرده یارباق سیز ،
تاپ گور نیجه یمیشدر
تگی به لک

خلق ادبیاتنین نوعلری بو-
نلارلا قورتارمیر . مثلا معین عاشقانه
حادثه لر مناسبتیله قوشولوش نغمه-
لریوز ایلدن سورادا ملتض طرفندن
ترنم ایدیلیر . بیله نغمه لردن بریسی :

یوز آتلیوق چخدیق دوزه
پیچاق بانا یامان گوزه
ساغری باشماق سودا اوزه
آپاردی سیل لر سارانی
بیر آلا گوزلی بالانی .

کیمی نغمه لری آذربایجان شهر و
کندلرینده سیوه سیوه اوخویورلار
بر وقت تبریده چورک احتکار
چیلر طرفندن انبارلارا وورولوب
جماعت آج قالمیشدی . او وقت
تبریزده زینب آدلی بیر آرواد تا-
پلمشدی . بو آرواد ، باشقا آرواد
لاریدا باشینا یغوب احتکارچیلارین
انبارلارینی داغیدیرمش . جماعت بو
آروادین شجاعتنه سوز قوشوموشدی :

حکم ایلدی زینب پاشا
جمله انات فراشا

سز بازاری باسین داشا
خنجریمی باغلیوم گلیم
ده گه نگی باغلیوم گلیم
ینه بر دفعه تبریز ده بهالیق
اولدینی زمان ، گچمشده سخاوتی -
ایله مشهور اولان حاجی شیخ خلیقین
یادینا دوشور :
زمانه نی دوندرد الله
حاجی شیخی گوندرد الله
دیوب سوز قوشوموشدیلار .

معین حادثه لره سوز قوشماخ
اونی ترنم ایتک خلقمیزین عادتیدر
بو سوزلرین درین معناسی ویوک
اهمیتی واردر : مثلاً ترنم حکومتی
ایله مبارزه ایدن قاچاق نبی واونون
قوچاق آروادی حجر خانم حقیقه
نه گوچهک سوزلر اوخویار دیلار :
نبی منیب کهر آتین بیلمینه
آینالی تنگی سالوب چیگکننه
قوی منه دیسینلر آی قاچاق نبی
آروادی نوزوندن آی قوچاق نبی
اهل عیالینی ایراند قویوب روسیه یه
چورک قازانماغا گیدنلرین عائله
لر ینین دیلندن بیله سوز
قوشوموشدیلار :

ایششکر یولا دوز یلدی
خومار گوزلر سوز یلادی
الله اوره گیم اوز یلادی
هانی بس منیم ماتان یاریم
قاش گوزون اوینادان یاریم
کندیلرین حیاتن و تصرفاتین
تصویر ایدن بیر چوخ نغمه لردہ
واردر . مثلاً :

قویون یوزی گلدی
دولاندی دوزی گلدی
چوبانین قوجا غندا
برجه جوت قوزی گلدی

نه نه ارندیش قویون
بیری بر قاریش قویون
چوبان سندن کور سدر
سوی ییرباریش قویون

خیردا خیردا چیخی لر
یووشانین باشین دیشار
گیدر ییلاخدا اوتلار
گلر په یه ده قشار

هله چوبان حقیقه ده بیر بیله سوزوار
یو وری یو وری قایلار
یو وری غیدر چوبانین
یاندانکی بوز ککک
ها وادا ریدر چوبانین
آغزی قارا جانلار
دشمنی در چوبانین
اندک کی ده گه نک
تنگی در چوبانین
بونلاردان باشقا ، خلق نوز شهری
حقیقه خصوص نغمه لر قوشوموشدر
نبریز او سن میانه
گل سنبله دایانا
اوخی بلبلیم اوخی
بلکه یاریم ازیانه

ستارخان ارتجاع قوشونلاری ایله
مردم دانه دعوا ایله دیگی گونلرده
خلق بیله سوزلر قوشوموشدی :

سویرینه قانلار آخدی ستارخان
.....
خلق ادبیاتی احاطه ایتمه دیگی
هیچ بیر ساحه قالماشدر . مثلاً
اوشاقلارین چوخ سودیگری :

اوشودوم ها اوشودوم
داغدان آلمانا داشیدیم
کیمی اوخوماقلار دا واردر .
خلق ادبیاتی او قدر چوخدر

که ، اونلاری سایلاماق ایله قور-
تارماز . بورادا اونلاردان نمونه لر
گوستردیک .

بونوی یازماقدان مقصدیمز اودر
که ، اوخوجولاریمیز بو نوع خلق
ادبیاتنی یغیب بیزه گوندرد سینلر
بیز ده اونلاری گونده رهنلرین
آدیندان روزنامه مزده چاپ ایدرک
بونلارین یغماغنین یولونی دا
اوخوجیلاریمز انشان ویریریک خلق
ادبیاتنی چوخ بیلن قاریلار وقوجا-
لار در .

خصوصاً مکتب اوشا خلاری ،
قاری نه نه لری وقوجا بالالاری صحبتہ
دوتون ، اونلار سیزه شیرین شیرین
نقللر و بیله خلق ادبیاتی سوزلری
دانیشارلار . سیز اونلارین دیدیک-
لرین بیغین ، یازبن و بزیم اداره مزه
گونده رین ، بزده سزین آدوزدان
چاپ ایدیک .

خاق ادبیاتمه بیوک خدمت
اولان بو ایشده اوخوجولاریمزین
سزه کمک ایدہ جگینه امینیک .

آگهی

چون اخیراً پزشکی و بازرسی بهداشت آموزشگاههای تبریز
بعده اینجانب « دکتر علی نور هاشمی » واگذار گشته است
اینک خاطر عموم مراجعین را مستحضر میدارد که اوقات فطب بعد
ازظهرها بوده و پذیرائی مواقع صبح که در شماره پیش اخطار شده
بود اشتباه میباشد .
۳ - ۲

کتاب کالبد گشائی قانونی

تألیف دکتر قلی باوندی

این کتاب نفیس نخستین بار است که بزبان فارسی تألیف گشته
ومطالعه آن برای پزشکان و کارمندان اداره داد کستری و شهر بانی
ضروری است بقیمت ۲۰ ریال از کتابخانه فروش ویا از مطب
شخصی « دکتر علی نور هاشمی » واقع در خیابان پهلوی ابتیاع
فرمائید .
۵ - ۳

اخطار

کارخانه بافندگی شمس بیک عده کارگر جوراب بافی قابل با
اجرت کافی احتیاج دارد طالبین بکارخانه مزبور مراجعه کنند .